فرمان فراموش شده

نگاهی به فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی

مهدی پورحسین

اشاره

در نگاه دینی، جایگاه واقعی رهبری جامعه اسلامی، امانتداری و نگهبانی از حقوق ملت است و رهبر، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست؛ از این‌رو قرآن کریم، امامت و رهبری را «پیمان الهی» و مقامی «ضد ظلم» و «همراه با عدل» معرفی می‌کند.

امام خمینی در جایگاه یک رهبر دینی از نخستین روزهای آغاز نهضت اسلامی، یکی از اهداف مهم خود را برچیدن بساط ستم، جلوگیری از خودسری‌ها و قانون‌شکنی‌ها و حفظ حقوق ملت و برقراری عدالت اجتماعی قرار داد و تا پیروزی انقلاب اسلامی بر آن پای فشرد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مسئولیت حفظ حقوق ملت و جلوگیری از ستم و دست‌درازی به آنان را از نخستین وظایف خود می‌دانست و در ساعت‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، طی پیامی از مردم خواست نگذارند آشوبگران مغرض به اقداماتی همچون غارت، آتش افروزی، مجازات متهمان و از میان بردن آثار علمی، فنی، صنعتی و هنری و بربادادن اموال عمومی و خصوصی دست بزنند و با تأکید، اعلام کرد هر کس به چنین کارهایی دست بزند، از جامعه انقلابی ملت رانده و در پیشگاه خداوند متعال مسئول است. ایشان همچنین از مردم خواست با افرادی از کارگزاران رژیم پهلوی که اسیر آنان هستند، هرگز

***امام خمینی با صدور پیام معروف به «فرمان هشت ماده‌ای» در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ درصدد ایجاد تحول عمیق در رفتارهای حاکمیتی برآمد**

با خشونت و آزار رفتار نکنند و برابر سنّت اسلامی، با اسیران محبت و مهربانی کنند تا دولت اسلامی به موقع آنها را محاکمه و عدالت را درباره آنها اجرا کند.

امام خمینی روز دوم پیروزی انقلاب اسلامی نیز در پیام صریحی به همگان هشدار داد باید از هر نوع خرابکاری، چپاول، آتش افروزی و ستم پرهیز شود و بر عموم است که از این‌گونه اعمال غیر اسلامی و غیرانسانی به‌شدت جلوگیری کنند. ایشان همچنین از مردم خواست این امر را تکلیف شرعی ـ الهی و تعهد ملی بدانند و متخلف از آن، مخالف خداوند تعالی و خائن به کشور و نهضت اسلامی خواهد بود؛ چنان‌که چهار روز بعد نیز، طی پیامی از افراد و اشخاصی که بدون مجوز، به خانه‌های مردم هجوم می‌بردند و چه بسا سبب ناراحتی خانواده‌ها می‌شدند خواست بدون دریافت اجازه از دولت قانونی، به خانه هیچ‌کس حمله و کسی را از پیش خود توقیف نکنند. ایشان با اذعان به اینکه جنایتکاران و ستمکاران که دستشان به خون مردم و دست‌اندازی به حقوق ملت آلوده است، نباید از کیفر معاف شوند، اعلام کرد کیفر مجرمان نباید بدون نظم و حساب و به دست افراد غیرمسئول انجام گیرد. ایشان این حکم را حکم اسلامی خواند و تخلف از آن را جایز ندانست.

از آن پس یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام خمینی، اسلامی کردن کشور به‌ویژه در دستگاه قضایی و انتظامی و احقاق حقوق ازدست‌رفته مردم بوده پیاپی آن را پی‌گیری می‌کرد؛ ولی با توجه به شرایط آغاز انقلاب و نیز توطئه‌های داخلی و خارجی و حوادثی که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ برای انقلاب و نظام اسلامی نوپا پیش آمد، موضوع رعایت حقوق شهروندی به‌ویژه رعایت حقوق متهمان، محکومان و زندانیان، تحت‌الشعاع قرار گرفت.

با ایجاد آرامش سیاسی در کشور در ماه‌های پایانی سال ۱۳۶۰، امام خمینی در پیام نوروزی سال ۱۳۶۱ ابراز امیدواری کرد در سال جدید، تمام دستگاه‌های دولتی براساس قوانین اسلامی عمل کنند و مشکلات را به قدرت ایمان و پشتیبانی ملت، یکی پس از دیگری از میان ببرند. ایشان طی سخنانی در خرداد همان سال، تصریح کرد، حال که هرج و مرج‌های طبیعی آغاز انقلاب برطرف شده، گروه‌های منحرف و وابسته در آشوب‌ها ناکام مانده و مسئله جنگ در شرف حل است، لازم است مسئولان حکومتی، همه تلاش خود را برای اسلامی‌شدن کشور به کار گیرند. ایشان همچنین در مرداد همان سال در جمع قاضیان دادگستری، بر ضرورت تحول در دادگستری‌ها، کنار گذاشتن قوانین خلاف شرع باقی‌مانده از رژیم گذشته و پایبندی قاضیان به قوانین شرعی تأکید و تصریح کرد اگر در دادگاه‌های جمهوری اسلامی نیز مانند رژیم گذشته، خلاف شرع صورت گیرد، باید فاتحه جمهوری اسلامی خوانده شود. در پی این رهنمودها گزارش‌هایی از تخلف و ورود به حوزه خصوصی افراد در دادسراهای انقلاب، هسته‌های گزینش اداره‌ها، کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران به امام خمینی رسید و ایشان با آگاهی از این تخلفات، پیام معروف به «فرمان هشت‌ماده‌ای» را در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ صادر کرد و با این کار درصدد ایجاد تحولی عمیق در رفتارهای حاکمیتی برآمد.

محتوای پیام

پیام هشت ماده‌ای با عنایت به مبانی و دلایل فقهی به‌ویژه آیات و روایات صادر شده و با توجه به جایگاه مرجعیت دینی امام خمینی، مفاد آن، احکام فقهی قلمداد می‌شود.

امام خمینی در این پیام با اشاره به حساسیت‌های گذشته خود تصریح می‌کند در پی تذکرات قبلی مبنی بر لزوم اسلامی‌کردن تمام دستگاه‌های دولتی به‌ویژه دستگاه قضایی و لزوم جانشین‌کردن احکام خدا در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، مطالبی را به تمامی متصدیان امور یادآور می‌شود و از آنان می‌خواهد به این موارد توجه کنند.

تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آنها با دقت و سرعت لازم و در اولویت قراردادن قوانین قضایی دربرگیرنده عموم؛

رسیدگی به صلاحیت قاضیان و مسئولان قضایی، با سرعت و دقت و بی‌طرفی کامل، برای شرعی و الهی‌شدن امور و جلوگیری از پایمال‌شدن حقوق مردم؛

صدور احکام اسلامی ازسوی قاضیان واجد شرایط، برای ایجاد احساس امنیت در مردم در سایه احکام عدل اسلامی و پرهیز از رفتار غیر اسلامی با آنها؛

ممنوعیت توقیف و احضار افراد بدون حکم قاضی از روی موازین شرعی و جرم و موجب تعزیر بودن توقیف و احضار به عنف؛

ممنوعیت دخل، تصرف، توقیف و مصادره اموال منقول و غیرمنقول و حق افراد؛ مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی؛

ممنوعیت ورود به ملک خصوصی افراد، بدون اذن صاحب آنها، ممنوعیت جلب، تعقیب، مراقبت، اهانت و کارهای غیرانسانی و غیر اسلامی درباره دیگری به نام کشف جرم، نیز پرهیز از ورود به حریم خصوصی افراد برای تجسس از گناهان و فاش‌کردن آن؛ به دلیل اینکه اشاعه فحشا و گناهان، از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبان آن، سزاوار تعزیر شرعی هستند.

اختصاص ممنوعیت به غیر مواردی که در رابطه با توطئه‌ها و گروه‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی باشد؛ زیرا آنان محارب خدا و پیامبر(ص) هستند و در هر نقطه که باشند، باید با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل و تحت ضوابط شرعی با آنها برخورد شود.

وظیفه رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر در جلوگیری سریع و قاطع از تخلفات از این فرمان و انتخاب هیئت‌های مورد اعتماد در سراسر کشور، برای جمع‌آوری و رسیدگی به شکایت‌ها.

امام خمینی در بند ۷ تذکر اکید می‌دهد اگر مأموران برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد بر ضد نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به حریم خصوصی کسی وارد شدند و با ابزار لهو یا آلات قمار و فحشا یا مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را افشا کنند؛ زیرا اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هتک حرمت مسلمان و پا فراترگذاشتن از ضوابط شرعی، مجاز نیست؛ چنان‌که مأموران حق جلب یا بازداشت یا ضرب‌وجرح صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و فراتررفتن از حدود الهی، ستم و موجب تعزیر و گاهی تقاص است؛ ولی کسانی که معلوم شود شغل آنان خرید و فروش مواد مخدر و پخش آن میان مردم است، در حکم مفسد فی‌الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل‌اند و باید افزون بر ضبط آلات جرم، آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. ایشان در پایان تأکید می‌کند که همه باید بدانند پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی، درخور قبول و تحمل نیست که به نام انقلاب و انقلابی‌بودن به کسی ستم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات سربزند.

پیگیری و اجرای فرمان امام خمینی

ستاد پیگیری فرمان امام خمینی در ۲۹ آذر ۱۳۶۱ از سوی رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر برای پیگیری فرمان امام خمینی تشکیل شد و در نخستین اطلاعیه خود در اول دی اعلام کرد، دادگاه انتظامی برای بررسی موارد تخلف دادگاه‌ها و دادسراها تشکیل و وزیر کشور مسئول تشکیل نیروهای انتظامی لازم به‌منظور ابلاغ، احضار و اجرای احکام محاکم قضایی شد. امام خمینی نیز در ۴ دی ۱۳۶۱، طی حکمی آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی «رئیس دیوان عالی کشور» (رئیس قوه قضائیه) مهندس میرحسین موسوی «نخست‌وزیر»، آیت‌الله محمد امامی کاشانی «رئیس دیوان عدالت اداری»، حجت‌الاسلام سیدمصطفی محقق داماد «رئیس بازرسی کل کشور»، حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری «وزیر کشور» و مهندس غلامرضا آقازاده «وزیر مشاور» را به عضویت در ستاد پی‌گیری فرمان هشت ماده‌ای منصوب کرد تا با اکثریت آرا، متخلف یا متخلفان را پس از تشخیص، برکنار کنند و در ۷ دی در دیدار با اعضای این هیئت، بر ضرورت برخورد قاطع با متخلفان ـ چه در سطح دادستان‌ها و قاضیان و چه در سطح اداره‌ها و وزارت‌خانه‌ها ـ و نیز رسیدگی به شکایت‌های مردم تأکید کرد و دستور داد هر کس در برابر اقدامات هیئت پی‌گیری، مقاومت یا جوسازی کند، به عنوان فاسق تعزیر شود؛ چنان‌که در ۹ دی ۱۳۶۱، آیت‌الله سیدجعفر کریمی را به ریاست محکمه قضات منصوب کرد و در دیداری به آنان توصیه کرد اگر شخصی را که می‌خواهند محاکمه کنند، از نزدیک‌ترین افراد و دوستان آنان باشد، با او برخوردی جدی و حکم خدا را جاری کنند و به سخن کسی اعتنا نکنند و اگر کسی از دورترین افراد یا حتی دشمن آنان بود و گناهی نداشت، بلافاصله او را آزاد کنند.

امام خمینی پس از آن، بارها در دیدار با مسئولان مربوطه یا در پاسخ به نامه‌های آنان، بر مفاد پیام هشت‌ماده‌ای تأکید و بر قاطعیت در اجرای آن توصیه کرده است؛ چنان‌که بارها با عفو و تخفیف مجازات زندانیانی که ازسوی هیئت‌های مرتبط با ستاد پی‌گیری فرمان امام خمینی پیشنهاد شده‌اند، موافقت کرد. ایشان در ۱۰ خرداد ۱۳۶۲ با اذعان به جدیت و تلاش‌های طاقت‌فرسای هیئت پی‌گیری فرمان و تشکر از آنان، با درخواست رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر مبنی بر تمرکز فعالیت‌های ستاد پی‌گیری در قوه قضاییه موافقت کرد.

انحلال هیئت‌های گزینش

امام خمینی همچنین در ۱۵ دی ۱۳۶۱ در نامه‌ای به ستاد پی‌گیری تخلفات قضایی و اداری، با اشاره به برخی کتاب‌ها و جزوه‌هایی که با عنوان پرسش‌های دینی و عقیدتی برای گزینش عمومی افراد منتشر شده و اظهار تأسف از محتوای غیر اسلامی و گاه مستهجن و تأسف‌آور آن، تمامی هیئت‌های گزینش در سراسر کشور را تعطیل کرد. ایشان ستاد را موظف کرد در کوتاه‌ترین زمان به جای هیئت‌های منحل‌شده، هسته‌هایی از افراد شایسته، متعهد، خردمند، صاحب اخلاق پسندیده، فاضل و آگاه به مسائل روز، برای گزینش‌ها تشکیل دهند و اشتباهات گذشته در حوزه‌های گوناگون را جبران کنند.

بازتاب‌ها

پیام هشت‌ماده‌ای بازتاب‌های گوناگونی

***امام خمینی: اگر در دادگاه‌های جمهوری اسلامی نیز مانند رژیم گذشته، خلاف شرع صورت گیرد، باید فاتحه جمهوری اسلامی خوانده شود**

در کشور داشته و امید فراوانی را میان اقشار گوناگون جامعه ایجاد کرد. شخصیت‌های کشوری، امامان جمعه و روحانیان طی اعلامیه‌هایی، ضمن اعلام حمایت خود از این پیام، خواستار اجرای مفاد این فرمان شدند.آیت‌الله موسوی اردبیلی، رئیس قوه قضائیه و مهندس موسوی، نخست‌وزیر وقت، طی اعلامیه مشترک و مصاحبه‌های اختصاصی، ضمن اعلام آمادگی برای اجرای این فرمان، اعلام کردند در اجرای فرمان امام خمینی به مسئولان امور، تذکرات لازم و بخش‌نامه‌های مؤکد صادر و هیئت‌هایی برای رسیدگی به شکایت‌های مردم در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تشکیل خواهد شد. آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، روح بیانیه امام خمینی را پاک کردن مسائل خلاف شرع از قاموس فعل و انفعالات کشور دانست. آیت‌الله علی مشکینی، امام‌جمعه قم نیز، ستم‌کردن به کسی، به نام انقلاب را پذیرفتنی ندانست و آقای علی‌اکبر ناطق نوری، وزیر کشور طی دستورالعملی، وظایف نیروهای انتظامی در رابطه با اجرای پیام امام خمینی را مشخص کرد.

پیام هشت ماده‌ای امام خمینی در حوزه رسانه و نشریات و نیز در پژوهش‌های علمی نیز پی‌گیری شده و از زمان صدور، ده‌ها کتاب و مقاله در این باره نوشته و منتشر شد. چنان که همایش‌های چندی نیز در شهرهای مختلف درباره این موضوع برگزار شد.

***امام خمینی: همه باید بدانند پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی، درخور قبول و تحمل نیست که به نام انقلاب و انقلابی‌بودن به کسی ستم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات سر بزند**

آیت‌الله رحمت، حوزه نجف و حاج آقا مصطفی خمینی

اشاره

آیت‌الله شیخ محمدرضا رحمت از شاگردان امام خمینی در نجف و از دوستان نزدیک آیت‌الله حاج مصطفی خمینی، یازدهم آذرماه جاری دار فانی را وداع گفت. وی پس از ورود به نجف اشرف در سال ۱۳۴۷ خدمت امام رسید و در درس‌های اصول، تفسیر و اخلاق شرکت کرد. او از اعضای قدیمی دفتر حضرت امام و نیز عضو دفتر استفتائات بیت امام بود. آنچه در ادامه می‌خوانید گفتگوئی است با ایشان درباره دیدگاه حوزه‌های نجف و قم درباره شخصیت حاج آقا مصطفی خمینی که در گرامیداشت این شاگرد و یار امام از نظر می‌گذرد. این گفت‌وگو هم از این جهت که اطلاعاتی از حوزه نجف در دوره امام خمینی می‌دهد و هم از این جهت که شخصیت علمی حاج آقا مصطفی را می‌نمایاند، حائز اهمیت است.

***لطفا در ابتدا بفرمایید که دیدگاه حوزه نجف درباره حاج آقا مصطفی چگونه بود؟**

در نجف، افرادی که به دنبال علم و دانش و فراگیری علوم دینی بودند و روابط خوبی با نهضت امام داشتند و یا حتی آنهایی که روابط خوبی هم نداشتند، نظر مثبتی نسبت به حاج آقا مصطفی داشتند؛ چراکه ایشان از سرآمدهای علمی حوزه نجف بود و در درس مراجع بزرگی شرکت می‌کرد. هم از جهت علمی مطرح بود و هم از نظر سیاسی. در آن زمان امام نمی‌توانستند به صورت معمول با بیوت آیات دیگر رفت و آمد داشته باشند، اما حاج آقا مصطفی هم از جانب خودش و هم از جانب امام با علمای مختلف رفت و آمد داشت. مراجع محترم نجف هم از ایشان هم بعنوان فرزند امام بودنش و هم بخاطر جایگاه علمی شان احترام می‌گذاشتند و طبعا در نشست‌ها نیز مطالب علمی و هم مطالب سیاسی مطرح می‌گردید و این موارد باعث شناخت بیشتر از ایشان می‌شد و کم کم باعث احترام گذاشتن مراجع نسبت به ایشان می‌شد.

ایشان از جهت علمی، از جمله در فقه و اصول و فلسفه هم واقعاً استاد موفقی بود. برداشت‌های فقهی و اصولی ایشان بسیار خوب بود و در تفسیر هم حرف‌های مهمی برای گفتن داشت، ضمن آنکه در عین حال فردی عابد و عارف و مقید به عبادت بود و بطور کلی با مستحبات معروف بود در میان رفقا. این موارد باعث می‌شد که در میان علمای نجف از ارزش و اعتبار فراوانی برخوردار باشد. در یک جمله باید عرض کنم که این ارزش و اعتبار صرفا بخاطر آقازادگی ایشان نبود بلکه بخاطر درجات علمی ایشان بود که مورد تأیید مراجع بود. برای تأیید این مطلب کافی است که اشاره کنم به کلام استاد بزرگوارمان حضرت آیت‌الله العظمی آقا میرزا حسن بجنوردی که خودم از ایشان شنیدم که فرمود: حاج آقا مصطفی در سن کنونی از منظر علمی در مرتبه‌ای بسیار بالا قرار دارد. باید هم این را پذیرفت چون حاج آقا مصطفی مربیای چون امام خمینی داشت. وقتی که حضرت امام به نجف رفتند مراجع بزرگی در نجف حضور داشتند از جمله آیت‌الله حکیم، آیت‌الله خویی و... بطور سنتی مراجع نجف همواره خودشان را بالاتر از دیگران می‌دانستند. حضرت امام پس از ورود به نجف اشرف شاگردان زیادی پیدا کرد. درسش گل کرد.

حاج آقا مصطفی تدریس هم داشت و در سنین کم به بالاترین سطح علمی رسید، برای عالم اسلام امیدی بود، از آگاهان علمی و تقوایی نجف بود، دوستان بسیاری داشت، لذا این باعث چشم روشنی امام بود که پسرش می‌تواند در حوزه بروز و ظهور کند و بدرخشد. بطوری‌که می‌تواند راه و هدف پدرش را دنبال کند و حاج آقا مصطفی می‌تواند جای او را در مقام فقاهت و مرجعیت و تدریس پرنماید. لذا همواره امید امام بود. امید اسلام بود. شهادتش هم موجب پیروزی انقلاب شد.

***دیدگاه حوزه قم نسبت به ایشان چگونه بود؟**

از آنجایی که من در حوزه قم نبودم نمیتوانم بصورت دقیق به این سؤال شما پاسخ بدهم اما با توجه به اقداماتی که ایشان در زمان حضور حضرت امام در قم و زمان بازداشت‌ها و تبعید حضرت امام در قم انجام داده‌اند همگان از ایشان و فعالیت‌ها و اثرات حضور ایشان در عرصه مبارزاتی امام به نیکی یاد می‌کنند. ایشان در قم توانست تحصیلات عالی را در سنین جوانی پشت سر بگذارد؛ هر چند که در آن زمان در عرصه علمی چندان مطرح نبودند و بیشتر به واسطه فعالیت‌هایش علیه رژیم ایشان را می‌شناختند.

البته بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی کتبی را که ایشان در نجف به رشته تحریر درآورده‌اند ترجمه و طبع شده و در اختیار حوزه قم قرار گرفت و شناخت بیشتری نسبت به ایشان پیدا شد. در جریان هستید که حاج آقا مصطفی نزدیک به سی جلد اثر عمیق و ارزنده دارد و در سال‌های اخیر آقای سجادی از طرف حاج احمد آقا مأموریت پیدا کرده بود که نوشته‌های ایشان را بررسی و چاپ کنند؛ لذا کتب ایشان تحت اشراف آقای سجادی چاپ شد. مثل تفسیر ایشان. که در اختیار حوزه قم و کل کشور قرار گرفت. ایشان بیشتر نبوغ سیاسی و علمی‌شان در حوزه نجف شکوفا شده پس بنابراین تا قبل از انتشار کتاب‌های ایشان، عموم از نزدیک با سطح علمی و معلومات بالای ایشان اطلاع چندانی نداشتند. اما اکنون شناخت بیشتری از ایشان در دست است.

***دیدگاه سیاسیون و شخصیت‌های مبارز نسبت به حاج آقا مصطفی چگونه بود؟**

از آنجا که ایشان از زمان تبعید حضرت امام به ترکیه و بعد از آن به نجف همواره در کنار امام بوده و از نظرات علمی و سیاسی حضرت امام بهره‌های بسیاری برده‌اند، سیاسیون و شخصیت‌های مبارز نسبت به ایشان اعتماد و اطمینان بالایی پیدا کرده بودند. ضمن آنکه در زمان حضور امام در نجف خیلی از مسائل از طریق ایشان رفع و رجوع می‌شد، البته با اطلاع و مدیریت حضرت امام. لذا از آنجا که ایشان قدم به قدم با حضرت امام همراه بودند و تمام امور سیاسی را در خدمت امام می‌گذراند و هرچه امام دستور می‌دادند را به اجرا می‌گذاشت، طبعا نظرات نسبت به ایشان کاملا مثبت بود چون ایشان قدمی برخلاف نظر حضرت امام بر نمی‌داشت و امام هم بارها بر این نکته تأکید کرد. نقش حاج آقا مصطفی در مبارزات نقشی بسیار مؤثر بود؛ مسائل داخلی و خارجی در ارتباط با نهضت و حرکت امام را هماهنگ می‌کرد و مواظب بود. حتی فراموش نمیکنم که بنی صدر سال ۵۲ ـ ۵۱ به نجف آمده بود. اینها از خارج می‌آمدند به نجف و می‌رفتند. مرحوم حاج آقا مصطفی فرمود که اگر کاردست این بیافتد خطرناک است. در آن زمان یعنی دیدگاه سیاسی و فهم سیاسی ایشان اینقدر دقیق بود. می‌دانید که بنی صدر پدرش مجتهد بود. روحانی بود. خب در عین حال طرز تفکر بنی صدر (ابوالحسن)، تفکر لیبرالیستی و منحرفی بود. لذا مرحوم حاج آقا مصطفی در نهضت بیشترین نقش را ایفا کرد. متأسفانه کمترین بازگویی هم در ارتباط با ایشان شده است. واقعاً جزء مظلوم‌های نهضت و انقلاب ما است که بیشترین خدمات را ارائه داد و افراد این چنین داریم که چون برای خدا کار می‌کردند هیچ وقت کارهای خودشان را اظهار نمی‌کردند. ایشان هم جزء این دسته از افراد بود.

رژیم به خوبی می‌دانست که ایشان بسیار تأثیرگذار است. آنها فکر می‌کردند که همه نهضت مرحوم حاج آقا مصطفی است. آنها خیال می‌کردند تمام تحریک‌هایی که از ناحیه حرکت‌های امام انجام می‌شود، محرک و مسبب اصلی آن حاج آقا مصطفی است؛ لذا با این طرز تفکر تصمیم گرفتند که به هر شکل که شده ایشان را به شهادت برسانند و خیال می‌کردند با این کار مسئله نهضت امام تمام می‌شود.

***از جهت امور اجتماعی چطور؟ فعالیت‌ها و برخوردهای ایشان چگونه ارزیابی می‌شود؟**

از جهت امور اجتماعی ایشان اولا با تمام علمای نجف ارتباط داشت و این به روند پیشبرد اهداف نهضت کمک بسیاری می‌کرد. دوم اینکه ایشان از جهت علمی و تقوا سرآمد بود و واقعا یکی از ویژگی‌های خاص ایشان اخلاص ایشان بود و ما چون زیاد در خدمت ایشان بودیم در پیاده روی‌های کربلا مشاهده می‌کردیم که ایشان هیچگاه حاضر نبود که کسی غیبت شخصی را انجام بدهد و همانگونه که عرض کردم بخاطر دانش بالای ایشان همه علمای نجف به ایشان محبت داشتند و احترام می‌گذاشتند. بعد از شهادت ایشان مراجع مراسم گرفتند و جالب این است که امام در همه این جلسات شرکت می‌فرمود؛ مثل اینکه در مراسم معمولی شرکت می‌کند. برای مراسم ایشان هم شرکت می‌کرد. یک حزب قرآن می‌خواند و بلند می‌شد و میرفت.

حتی آنهایی که نسبت به امام بعضی مطالب را عنوان می‌کردند نسبت به مرحوم حاج آقا مصطفی خوش بین بودند و از ایشان تقدیر می‌کردند. ایشان در جمع دوستان در مسافرت‌ها معمولا سعی می‌کرد که مسائل علمی را بصورت مسابقه مطرح کند که دوستان همراه احساس خستگی نکنند. سوم اینکه ایشان از جهت تقوا واقعا فردی نمونه بود. قبلا هم در مصاحبه‌هایم گفتم که یکی از بارزترین ویژگی‌های ایشان استقامت ایشان بود... یک سری چیزها است که عملاً برای ما درس بود. درس عملی بود که به ما می‌آموخت. و از همه مهمتر اینکه همانگونه که قبلا گفتم ایشان از جهت علمی هم جایگاه ممتازی در حوزه نجف داشت و کتاب‌های ایشان نشانه درجات علمی و مطالعات عمیق ایشان است که بر کسی پوشیده نبود. بدین خاطر که از دانش لازم برای ادامه دادن راه امام و سیاست و مشی امام برخوردار بود، حضرت امام نیز به ایشان احترام خاص می‌گذاشت.

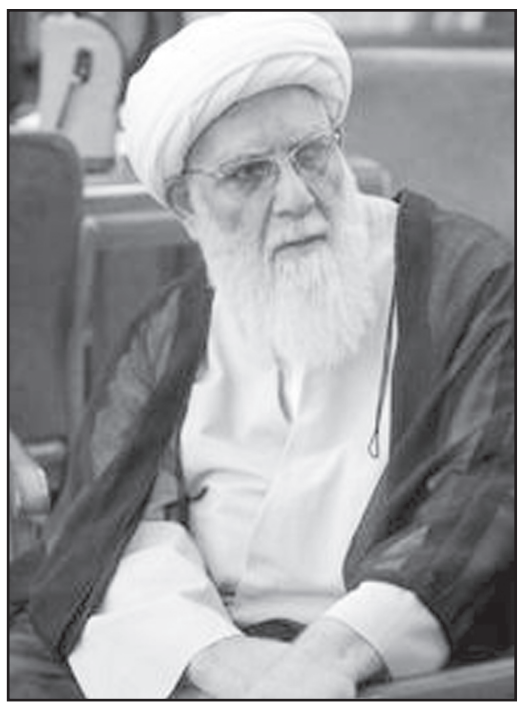

عقل؛ امام رفتار انسانی

حضرت آیت‌الله جوادی آملی

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در درس اخلاق پنج‌شنبه خود در محل مسجد اعظم قم با تأکید بر اینکه کتاب نهج‌البلاغه تالی تلو قرآن کریم است، اظهار داشتند: کلمات نورانی امیرالمؤمنین (سلام‌الله علیه) مثل سایر ائمه (علیهم‌السلام) منسجم و علمی است. ولی سیدرضی (رضوان‌الله تعالی علیه) فرصت نکردند که همه کلمات را جمع بکنند و خطبه‌ها یا نامه‌ها یا کلمات نورانی یکجا ذکر بشود. لذا خطبه‌ها و نامه‌ها تقطیع شده و سباق و سیاق کلمات نیامده و این کتاب در حوزه‌ها به عنوان یک مرجع علمی شناخته نشده است، فهمیدن نهج‌البلاغه بدون عامل سابق بدون عامل سیاق این می‌شود که شخصیتی مانند محقق (رضوان‌الله تعالی علیه) از فقهای نام آور شیعه در شرایع می‌گوید «و فی مرسلة الرضی»، که این حرف خیلی از عظمت و شکوه این کتاب کم می‌کند؛ مرسله رضی کجا، نهج‌البلاغه علی کجا!؟ باید توجه داشت که بیشتر این خطبه‌ها و کلمات دارای سباق و سیاق هست که در کتاب «تمام نهج‌البلاغه» آمده است و این کتاب تمام نهج‌البلاغه از بهترین برکات است.

ایشان گفتند: مطلب دیگر آن است که بیانات نورانی حضرت امیر (سلام‌الله علیه) درباره معارف، فراوان است، معرفت نفس، توحید شناسی و مسئله وحی و نبوت و امام شناسی از قسمت‌های مهم فرمایش امام است، اما ما قبل از اینکه امامان بیرون‌مان را بشناسیم که اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هستند باید امام درون مان را بشناسیم، ما هم قوای علمی و هم قوای عملی فراوانی داریم. ما عقل نظری داریم برای اندیشه و زیر مجموعه عقل نظری، قوه واهمه و قوه خیال است که اینها کارشان فهمیدن است، این قوا در حوزه و دانشگاه فعال است که آدم عالم میشود. اما عالم شدن، دانشمند شدن، فقیه شدن نیمی از راه است، به‌وسیله علم، خوب و بد و حلال و حرام را می‌دانیم، اما ما با عزم زندگی می‌کنیم نه با جزم! آنکه حوزه بدن را اداره می‌کند عزم است که به دنبال عزم، اراده و فعالیت و کوشش به دنبالش می‌آید و این مال مسجد و سخرخیزی و نماز جماعت و نماز جمعه و قرآن و دعا و ناله و گریه است. این آدم را می‌سازد.

ایشان افزودند: این یک اصل کلی قرآن است که یک عده خواه در حوزه خواه در دانشگاه، مطلبی را یقین می‌دانند که بد است اما از زیر میزی یا روی میزی دست بردار نیستند. چرا؟ برای اینکه اینها امام ندارند. امام ما حوزه و دانشگاه نیست. امام ما استدلال و فلسفه و کلام و فقه و اینها نیست. امام ما عقل عملی است، عقلی که «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَان وَ اکْتُسِبَ بِهِ الْجنان».

اَیشانَ گفتند: علم را باید عقال کنید. این علم سرکش است، حلال را حرام و حرام را حلال میکند، وجود مبارک موسای کلیم خطاب به فرعون فرمود: (لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هؤُلاءِ إِلاّ رَبُّ السَّماوَاتِ وَ الأَرْضِ بَصَائِرَ)؛ برای تو مسلّم شده، صد درصد یقین پیدا کردی که حق با من است، اما بیراهه می‌روی. این بیان نورانی موسای کلیم به فرعون به صورت اصل کلی در قرآن کریم آمده است که یک عده‌ای یقین دارند که خدا گفته پیغمبر گفته، اما بیراهه می‌روند. چرا؟ چون علم امام زندگی نیست. رهبری برنامه‌های انسان را عقل عملی به عهده دارد.

این مرجع تقلید در شرح کلمه ۱۲۳ نهج‌البلاغه گفتند: برخی این حدیث را از وجود مبارک پیغمبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) می‌دانند و در بعضی نسخه‌های نهج‌البلاغه نیاورده‌اند، حضرت در این حدیث می‌فرماید که «طوبَی لِمَنْ ذَلَّ فِی نَفْسِه» طوبی یعنی حیات طیب و طاهر. کسی حیات طیب و طاهر دارد که در درون و ساختارش ذلول باشد نه ذلیل. انسان عزیز است. عزت مؤمن ملک مؤمن نیست. امانت الهی است، مؤمن حق ندارد آبروی خودش را بریزد و خودش را ذلیل کند. بعد فرمود: «وَ طَابَ کَسْبُهُ» حلال کسب بکند، چون ذات اقدس الهی هیچ کسی را بدون روزی خلق نکرده است و اگر کسی طیب و طاهر بود مال طیب و طاهر هم تهیه خواهد کرد. کسب او هم طیب و طاهر میشود. «وَ صَلَحَتْ سَرِیرَتُهُ» هم سیرت نقل شده، هم سریره. باطنش هم صالح است، «وَ حَسُنَتْ خَلِیقَتُهُ» ساختار او هم زیباست.

ایشان افزودند: حضرت می‌فرماید «وَ وَسِعَتْهُ السُّنَّةُ، وَ لَمْ یَنْسَبْ إِلَی الْبِدْعَةِ»؛ در هر کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم، می‌توانیم دو اجتهاد داشته باشیم: یک اجتهاد فقه و اصولی که رایج است، یک اجتهاد نوآوری است در جایی که نبود، این بدعت نیست! این سنت است. یک کسی جامعه شناس، اقتصاددان، راهنما و یا مبتکر خوبی است؛ او می‌تواند کار خوب در مملکت بکند و نوآوری داشته باشد، «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً کَانَ لَهُ أَجْرُهَا...» این است. بعضی از کارها بود که بزرگان قبلی ما سنت گذاشتند، فرمود این کار را بکنید، چرا در اقتصاد مجتهد نیستید؟! اینکه ما یک نوآوری داشته باشیم که مشکل ما را حل کند، اگر یک روش و سنت خوبی در کشورداری، در اداره مملکت، در حفظ ارزانی و اقتصاد داشته باشیم، اینها نعمت خوبی است.